

## تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های

### مهاجرت مستقل زنان در ایران

محمود مشفق\*

معصومه خزایی\*\*

#### چکیده

در این مقاله ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان برحسب مقصد‌های عمده‌ی مهاجرتی تحلیل شده است. حجم نمونه شامل ۱۴۳۹۴ نفر زن است که از نمونه‌ی دو درصدی سرشماری سال ۱۳۹۰ به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. براساس نتایج به دست آمده الگوهای سنتی مهاجرت - که بیشتر مردگزین بوده و زنان به تبعیت از مردان مهاجرت می‌کردند - در حال تغییر است و به تدریج نوعی الگوی زنانه شدن مهاجرت در ایران در حال تکوین است. در این تحقیق دو الگوی مهاجرتی برای زنان شناسایی شد؛ یکی زنان مستقلی که از مهاجرت به عنوان یک استراتژی توسعه‌ی حرفه‌ای و فردی استفاده می‌کنند. این گروه از زنان مهاجر، تحصیل کرده و متخصص‌اند و بیشتر آنها محل اقامت قبلی‌شان نقاط شهری و مقصد مهاجرتشان پایتخت و شهرهای بزرگ است. الگوی دیگر، زنان مهاجری هستند که از مهاجرت به عنوان یک استراتژی بقاء استفاده می‌کنند. این گروه بیشتر به دلیل بیکاری، فوت همسر و یا طلاق مهاجرت می‌کنند و مستعد آسیب‌های اجتماعی متعددی هستند که اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای این گروه در برنامه‌ریزی‌های شهری امری الزامی و ضروری است.

#### واژگان کلیدی

مهاجرت زنان، تعیین‌کننده‌ها، مبدأ و مقصد

---

\*- عضو هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (m\_moshfegh@yahoo.com)

\*\* - کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی (massumekhazai@yahoo.com)

## ۱- مقدمه و بیان مسئله

یکی از مهم‌ترین تحولات مهاجرتی در دهه‌های اخیر ورود بیش از پیش زنان در فرآیند مهاجرتی و افزایش مهاجرت زنان مستقل است که زنانه شدن مهاجرت<sup>۱</sup> نامیده می‌شود (Hugo, 1993). کاستلز و میلر<sup>۲</sup> به ظهور عصر مهاجرت<sup>۳</sup> اشاره داشته و از پدیده‌هایی نظیر جهانی‌شدن مهاجرت، تسریع و شتاب مهاجرتی، تفکیک و تمایزپذیری مهاجرت، زنانه شدن مهاجرت و سیاست‌های مهاجرتی به عنوان پنج ویژگی اصلی عصر مهاجرت نام برده‌اند (صادقی به نقل از یزدان مهر، ۱۳۹۱: ۲).

افزایش سطح تحصیلات و به تبع آن میل به تحرک اجتماعی در بین زنان منجر به تحرکات مکانی و مهاجرتی بیشتر آنها شده است، به طوری که سهم جمعیت زنان مهاجر در هر دو نوع مهاجرت داخلی و بین‌المللی افزایش چشم‌گیری یافته است. در حالی که بسیاری از زنان همراه اعضای خانواده‌هایشان مهاجرت می‌کنند، تعدادی از زنان نیز به تنهایی و مستقل مهاجرت می‌کنند. این پدیده نگرانی‌های عمده‌ای را در خصوص سیاست‌های اساسی در زمینه‌ی انطباق‌پذیری مهاجران زن در محیط شهری و امنیت و حقوق زنان در فرآیندهای مهاجرتی ایجاد کرده است.

در گذشته، مردان تأمین‌کننده‌ی درآمد و معاش خانواده بودند و در بیرون از منزل کار می‌کردند و زنان فقط درون منزل کار می‌کردند و وظیفه‌ی فرزندآوری

1-Feminization of Migration

2- Castles & Miller

3- Migration Period

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

و نگره‌داری از خانه را بر عهده داشتند، اما امروزه زنان دیگر خود را به این وظایف سنتی محدود نمی‌دانند و همین تغییرات در نگرش و دگرگونی در باورهای نسل جوان و در رابطه با تعاریف‌شان از نقش زن در جامعه، افزایش توقعات و آرزوها و تمایلات اقتصادی و اجتماعی باعث شده است، زنان و دختران برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی بالاتر، بیشتر تلاش کنند. علاوه بر تلاش برای تحرک اجتماعی، یکی از راهبردهای اساسی ایشان برای دستیابی به موقعیت بهتر، مهاجرت و تحرک مکانی بوده است.

داده‌های بخش جمعیت سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ نشان می‌دهد که ۴۸ درصد سهم مهاجرت‌های بین‌المللی را زنان تشکیل می‌دهند، نسبت مهاجرت زنان در اروپا، حدود ۵۲ درصد است که بالاترین میزان در بین قاره‌های جهان را دربر می‌گیرد. این نسبت در قاره‌ی آسیا، ۴۲ درصد است که کمترین میزان در بین قاره‌هاست (United Nation, 2013).

در ایران، در دهه‌ی ۱۳۷۵-۱۳۶۵ حدود ۸۷۱۸۷۷۰ نفر در کشور مهاجرت کرده‌اند که ۵۵ درصد آنها مردان و ۴۵ درصد آنها زنان بودند، در حالی که در دوره‌ی ۱۳۹۰-۱۳۸۵ حدود ۵۵۳۴۶۶۶ نفر در کشور مهاجرت کرده‌اند که ۵۲ درصد از آنها مردان و ۴۸ درصد آنها زنان بوده‌اند. در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ نسبت مهاجرت زنان ۳ درصد افزایش نشان می‌دهد، همچنین طبق آمارهای مرکز آمار ایران، مهاجرت زنان نسبت به گذشته افزایش یافته و طی سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۷۵، بیشترین درصد مهاجرت‌های داخلی زنان در ایران به استان تهران بوده است.

پس از ظهور انقلاب اسلامی و به دنبال تغییرات اجتماعی - فرهنگی ایجاد شده در کشور، جایگاه و موقعیت زنان تا حدود زیادی ارتقاء یافت. مشارکت گسترده‌ی زنان در سطح اجتماع و به ویژه حضور آنها در عرصه‌های آموزشی پدیده‌ی بسیار بارزی است که همگی به آن اذعان دارند. بهبود شرایط اجتماعی - اقتصادی زنان میل به تحرک اجتماعی و مکانی را در آنها افزایش داده است.

مهاجرت در مقطع تحصیلات دانشگاهی و عالی در ایران به طور روزافزونی در حال افزایش است و مطالعات نشان می‌دهد که بین تحرک اجتماعی - که یکی از پارامترهای مهم آن ارتقاء سطح تحصیلات است - و تحرک مکانی و مهاجرت همبستگی وجود دارد؛ لذا همچنان در آینده سهم زنان در جابجایی‌های داخلی و خارجی افزایش خواهد یافت.

تغییرات به وجود آمده در شرایط سنتی زنان کشور و افزایش سهم زنان از مهاجرت‌های داخلی از یک سو و کمبود مطالعات درباره‌ی مهاجرت زنان انگیزه‌ای شد تا محققان در پی توصیف و تحلیل وضعیت و تعیین کننده‌های مهاجرت زنانی باشند که در کشور به صورت مستقل، مهاجرت می‌کنند. باید در نظر داشت، مهاجرت زنان پدیده‌ای است که مستقیم رفتارهای جمعیتی زنان از جمله سن ازدواج، سن باروری، تعداد فرزندان و... را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ لذا در این مقاله تلاش شده است با رویکردی جمعیت‌شناسانه ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی زنان مهاجر به پایتخت، زنان مهاجر به سایر نقاط کشور و زنانی غیر مهاجر در مبدأ با یکدیگر مقایسه شوند. هدف

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

مقاله آن است که از خلال این تحلیل‌ها و مقایسه‌ی تفاوت‌های اقتصادی - اجتماعی بین زنان مهاجر در دو بعد مهاجرت به پایتخت و مهاجرت به سایر نقاط کشور و زنان غیر مهاجر تبیین و تحلیل شوند. نیز مشخص شود هر یک از گروه‌های زنان با چه ویژگی‌هایی و به کدام نقاط کشور بیشتر مهاجرت می‌کنند؟ و آیا امکان شناسایی و تشخیص الگوهای خاصی از انواع مهاجرت زنان در کشور وجود دارد؟

## ۲- پیشینه‌ی تجربی پژوهش

اگر چه سهم زنان در جریان مهاجرت‌های داخلی و خارجی رو به افزایش است، اما سهم مطالعات و پژوهش‌ها در این باره اندک است. متغیرهای مختلفی چون سن، وضع تأهل، مهارت، تحصیلات، تخصص و... از جمله معرف‌های سرمایه‌ی انسانی هستند که در تصمیم‌گیری و رفتار مهاجرتی زنان اثر مستقیم دارند (مشفق، ۱۳۹۰: ۱۳۷). در تحقیقات محمودیان (۱۳۸۸)، جعفری (۱۳۸۸)، تیموری (۱۳۸۹)، جیاکون (۲۰۱۱)، فیندلی (۱۹۹۴) و فردمن (۱۹۷۳) اشتغال عامل مهمی در مهاجرت زنان به شمار می‌آید.

جعفری در بررسی عوامل مهم مهاجرت زنان به شهرستان مشهد و رابطه‌ی آن با متغیرهای اساسی چون سطح تحصیلات، شرایط اقتصادی، بعد مسافت و سن نشان داد که تحصیلات، اشتغال و مسافت عوامل مهمی در مهاجرت زنان به شمار می‌آیند (جعفری، ۱۳۸۸). اسماعیلی در مطالعه‌ی خود با عنوان «نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی» به این

نتیجه دست یافت که با افزایش سن زنان هنگام مهاجرت، افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش میزان استقلال زنان و نقش آنها در ساختار قدرت خانواده، نقش فعال زنان در فرآیند مهاجرت افزایش می‌یابد و در نتیجه در تصمیم‌گیری‌های مهاجرتی مشارکت فعال‌تری می‌کنند (اسماعیلی، ۱۳۸۸).

در تحقیق دیگری با عنوان «گرایش به مهاجرت و جنسیت» که حسن‌پور انجام داده است، نتایج نشان می‌دهد که از میان عوامل جاذبه‌ی مقصد و دافعه‌ی مبدأ در حالت کلی عوامل جاذبه‌ی مقصد تأثیر بیشتری در گرایش به مهاجرت داشته و بین دو جنس از نظر اهمیت به عوامل (اقتصادی - رفاهی و فرهنگی - اجتماعی) تفاوت وجود دارد. در حالی که برای پاسخ‌گویان زن عوامل اجتماعی - فرهنگی چه در قالب جاذبه‌های مقصد و چه در قالب دافعه‌های مبدأ مهم است، برای پاسخ‌گویان مرد عوامل اقتصادی اهمیت بیشتری دارد (حسن‌پور، ۱۳۸۹).

میرزایی و قاسمی اردهایی در مطالعه‌ی «جنبه‌های مهاجرت داخلی زنان در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران مهاجرت زنان بیشتر در دامنه‌ی سنی ۲۹ - ۲۰ سالگی رخ می‌دهد. کمترین سهم زنان در مهاجرت‌های شهر به روستا و بیشترین آن در مهاجرت‌های روستا به شهر است و زنان مهاجر از روستا به شهر، به غیر از عامل پیروی از خانوار، بیشتر برای تحصیل اقدام به مهاجرت می‌کنند (میرزایی و قاسمی اردهایی، ۱۳۹۳: ۲۳-۱).

فیندلی در مطالعه‌ای که در برزیل و یونان انجام داد، به این نتیجه دست یافت که زنان تحصیل‌کرده‌ی مهاجر بهتر می‌توانند با پذیرش مسئولیت‌ها

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

و نقش‌هایشان پس از مهاجرت از روستا به شهر روبه‌رو شوند و زنان تحصیل‌کرده امکان بیشتری برای شغل‌های نیمه حرفه‌ای، حرفه‌ای و اداری دارند. بنابراین محدودیت‌های درآمدی که به خانواده اعمال می‌شود، کاهش می‌یابد (فیندلی، ۱۳۷۲).

ازرا در اتیوپی نتیجه می‌گیرد که در جامعه‌ی مورد مطالعه‌اش، تمایلات مهاجرتی مردان بیشتر از زنان نیست، اما با در نظر گرفتن دلایل مهاجرت، مردان بیشتر از زنان به دلایل اقتصادی مهاجرت می‌کنند (Ezra, 2001).

کانیاپیونی نشان داد که زنان معمولاً قبل از ازدواج مهاجرت می‌کنند، اما داشتن فرزند کمتر در میان زنان متأهل تأثیر معناداری در مهاجرت ندارد. همچنین نشان می‌دهد که سطوح بالاتر تحصیل (به ویژه تحصیلات عالی)، احتمال مهاجرت زنان را در مقایسه با مردان بالا می‌برد (یزدان مهر، ۱۳۹۲ به نقل از Caniapiuni, 2000).

مطالعه‌ی کوینلن در هند نشان داد که احتمال مهاجرت زنان جوان بیشتر است. در نمونه‌ی کوینلن دختران بیشتر از پسران به تحصیلات خود اهمیت می‌دهند. در واقع والدین آنها نیز معتقدند که دخترانشان با تحصیلات بالاتر و حرکت به یک منطقه‌ی دیگر برای تحصیل، شانس بیشتری برای ازدواج بهتر خواهند داشت. در مجموع مطالعه‌ی کوینلن نشان داد که افراد برای دستیابی به فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و اجتماعی و ازدواج مهاجرت می‌کنند (Quinlan, 2005: 2-12). به طور کلی مطالعات نشان می‌دهد که سن، تحصیل، وضع تأهل و عوامل فرهنگی همچون افزایش استقلال زنان و اشتغال از

جمله متغیرهای تأثیرگذار در مهاجرت هستند، در این بین، تحصیل عامل مهمی است که در بیشتر مطالعات به عنوان یک عامل تعیین کننده‌ی بسیار مهم در مهاجرت زنان به آن اشاره شده است.

### ۳- مبانی نظری پژوهش

در نظریه‌های کلاسیک مهاجرت، به نقش جنسیت در مهاجرت کمتر اشاره شده است و این‌گونه نظریه‌ها در تحلیل جنسیتی مهاجرت توانایی کمی دارند. در تحقیقات مهاجرتی دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به تدریج جنسیت وارد مباحثات و پژوهش‌های مهاجرتی شد، اما منجر به تغییرات اساسی در خصوص فهم اینکه چه کسی و چرا مهاجرت می‌کند و یا اینکه چگونه مهاجرت تبیین می‌شود یا پیامدهای احتمالی آن چیست، نشد. یکی از سؤالات اساسی در مورد مهاجرت زنان طی این دوره آن بود که «آیا مهاجرت زنان "مدرنیزه" شده است؟» یا به عبارتی «مهاجرت زنان نوعی رهایی از رفتارها و ارزش‌های سنتی و قالبی آنهاست»؟

تادنی و تودارو در سال ۱۹۸۴ چهار نوع اصلی از مهاجرت زنان را با استفاده از معیار وضعیت تأهل و دلایل آنها برای مهاجرت از همدیگر تفکیک کردند: (۱) زنان متأهلی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند؛ (۲) زنان مجردی که برای یافتن شغل مهاجرت می‌کنند؛ (۳) زنان مجردی که برای ازدواج مهاجرت می‌کنند؛ (۴) زنان متأهلی که در یک مهاجرت جمعی بدون توجه به شغل مهاجرت می‌کنند (Hugo, 1993).



یوتنگ در مورد انگیزه‌های جابه‌جایی مکانی زنان فرضیه‌ی «مهاجرت استراتژی دسترسی» را مطرح کرد. به نظر وی «دسترسی» یک پدیده‌ی جنسیتی است. تحرک مکانی و مهاجرت نوعی استراتژی شناخته شده برای «دسترسی»<sup>۱</sup> به امتیازات اجتماعی در بین زنان است. در مواقعی که زنان با محدودیت دسترسی مواجه‌اند، جا به جایی و تغییر محل سکونت یکی از راه‌کارهاست (Uteng, 2011). از دیدگاه طرفداران حقوق زنان، مهاجرت با جنسیت، نقش‌های جنسیتی و روابط قدرت در فرآیند مهاجرت ارتباط محوری پیدا می‌کند. در حقیقت، در تحقیقات مهاجرت، رویکردهای تئوریکی جدیدی برای تبیین اثرگذاری روابط قدرت در الگوها و فرآیندهای در حال تغییر مهاجرت توسعه پیدا کرده است (سیلوری، ۲۰۰۴: ۴۹).

محققان حوزه‌ی حقوق زنان نشان داده‌اند که چگونه روابط اجتماعی خانوار در مبدأ و مقصد می‌تواند در تبیین اینکه چه کسی (یعنی موقعیت مهاجر در درون تقسیم کار خانوار) و با چه پیامدهایی (یعنی انتظارات بازار کار مقصد) مهاجرت می‌کند (Lawson, 39: 1998) کمک کند. در این رویکرد بر مهاجرت زنان - که فرصت‌های جدید برای بهبود زندگی زنان و تغییر روابط جنسیتی فراهم می‌کند - تأکید شده است. مهاجرت می‌تواند منبع استقلال، اعتماد به نفس بیشتر و پایگاه اجتماعی بالاتر برای زنان باشد. مهاجرت در روابط جنسیتی به خصوص نقش زنان در خانواده و اجتماع

1- Access

2-. Silvery

تأثیر می‌گذارد. مهاجرت در بسیاری از جنبه‌ها استقلال و قدرت زنان را تقویت می‌کند. طرفداران این دیدگاه، بر محدودیت تحرک زنان برای رفتن یا ماندن تأکید بسیاری دارند. با این حال، این نظریه پردازان مدعی‌اند، وجود مشکلات اقتصادی و اجتماعی زنان مهاجر دلیل بر مسئله بودن مهاجرت زنان نیست، بلکه شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابر است که مهاجرت زنان را به یک مسئله‌ی اجتماعی تبدیل کرده است (محمودیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۷).

کانت و رادکلیف<sup>۱</sup> (۱۹۹۲) چهار رویکرد نظری را برای تبیین مهاجرت زنان معرفی کرده‌اند. این رویکردها شامل چهار دیدگاه تعادل نئوکلاسیک، رویکرد ساختاری، رویکرد رفتاری و رویکرد استراتژی‌های خانوار است. رویکرد تعامل نئوکلاسیک در تبیین حرکات مهاجرتی زنان به فرصت‌های شغلی اندک در جامعه‌ی روستایی و بازارهای کار شهری می‌پردازد. در این رویکرد فرض می‌شود که انگیزه‌های مهاجرت برای زنان و مردان یکسان است و زنان بیشتر برای بهبود شرایط مادی خود مهاجرت می‌کنند. رویکرد ساختاری، بر تغییرات ساختاری اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به عنوان تعیین کننده‌های مهاجرت زنان تأکید می‌کند. ساختار نابرابر جنسی که در آن به حقوق زنان توجهی نمی‌شود، زمینه را برای مهاجرت زنان فراهم می‌کند.

در رویکرد رفتاری فرض بر این است که زنان و مردان تحت نفوذ ایدئولوژی‌ها و هنجارهای فرهنگی تعیین کننده‌ی نقش‌های جنسیتی به

1- Chant and Radcliffe

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

رفتار مهاجرتی می‌پردازند. در نهایت، رویکرد استراتژی‌های خانوار بر این فرض استوار است که روابط قدرت و ساختارهای تصمیم‌گیری در خانواده، در مهاجرت زنان تأثیرگذار است. بر اساس این رویکرد، معمولاً یکی از اعضای خانوار برای کار، مهاجرت می‌کند. در این موارد با توجه به سلسله مراتب‌های اجتماعی - فرهنگی و ساختار قدرت در خانواده، معمولاً زنان از مهاجرت منع می‌شوند (کانت و رادکلیف، ۱۹۹۲).

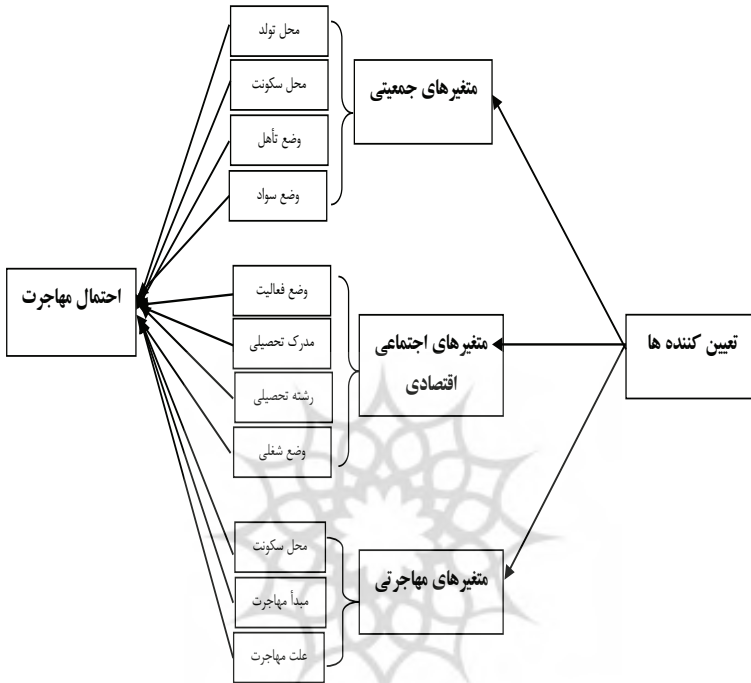
علاوه بر این نظریه، نقش‌های جنسیتی هم برای تبیین مهاجرت زنان به کار می‌رود. بر اساس این تئوری، زنان صرف نظر از سطح منابع فردی‌شان، یک نقش تابع و فرمانبردار در تصمیم‌گیری‌های مهاجرت خانوادگی دارند. به طور سنتی، زنان کمتر از مردان در فعالیت‌های بازار نقش داشته‌اند، از این رو به احتمال زیاد زنان تابعان و همراهان شوهرانشان در حرکات مهاجرتی‌اند (Chattopadhyay, 2000: 31).

بویاد و گرایکو در تلاش برای ارائه‌ی تئوری جنسیتی مهاجرت معتقدند، می‌توان سه مرحله‌ای که در آن روابط، نقش‌ها و سلسله مراتب جنسیتی در فرآیند مهاجرت تأثیرگذار است، از همدیگر متمایز کرد و در آن نتایج متفاوتی را برای زنان متصور شد: مرحله‌ی قبل از مهاجرت، مرحله‌ی انتقالی و عبوری در طول مرزها و تجربه‌ی مهاجران در منطقه‌ی مقصد (Boyad and Grieco, 2003: 740-765).

در مرحله‌ی قبل از مهاجرت، عوامل متعددی موجب شکل‌گیری تصمیمات مهاجرتی می‌شود. این عوامل هم عوامل کلان و سیستمی همچون اقتصاد ملی و هم عامل فردی و خرد همچون مراحل جنسیتی در چرخه‌ی زندگی را شامل می‌شوند. این عوامل به سه حوزه تقسیم می‌شوند: ۱- روابط و سلسله مراتب جنسیتی؛ ۲- موقعیت و نقش‌های جنسیتی؛ ۳- مشخصه‌های ساختاری مبدأ. روابط و سلسله مراتب جنسیتی در بستر خانواده، مهاجرت زنان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. خانواده به تعریف و واگذاری نقش‌ها به زنان می‌پردازد و این وضعیت خود انگیزه‌ی نسبی آنها را برای مهاجرت، کنترل توزیع منابع و اطلاعات - که می‌تواند حمایت کند - یا عدم تشویق و جلوگیری از مهاجرت را تعیین می‌کند. تعامل نقش‌ها، موقعیت و سن زنان در درون یک بستر اجتماعی و فرهنگی خاص، احتمالی از مهاجرت را به وجود می‌آورد که می‌تواند توانایی زنان را برای مهاجرت تحت تأثیر قرار دهد. در نهایت، عوامل سطح کلان مبدأ می‌توانند مهاجرت جنسیتی شده را تحت تأثیر قرار دهند. در مرحله‌ی انتقالی و عبور از مرزها، سیاست‌های مهاجرتی و گزینش‌های مهاجرتی می‌توانند در مهاجرت جنسیتی شده تأثیرگذار باشد. معمولاً در این سیاست‌ها، زنان به عنوان تابع و مردان به عنوان متفاوتی در مقصد اسکان یافته و انطباق پیدا می‌کنند و معمولاً نتایج و پیامدهای انطباق تحت تأثیر سه عامل هستند: ۱- تأثیر وضعیت ورود بر توانایی اسکان و انطباق؛ ۲- الگوی ادغام در بازار کار؛ ۳- تأثیر مهاجرت در وضعیت و موقعیت زنان و مردان (Boyad & Grieco, 2003). بدین ترتیب،

زنان می‌توانند در فرآیند مهاجرت نقش‌های متفاوتی (فعال و منفعلی) داشته باشند و داشتن هر کدام از این نقش‌ها بستگی به یک سری عوامل و تعیین‌کننده‌ها در بستر اجتماعی - فرهنگی جامعه‌ی مورد مطالعه دارد. به طور کلی، در مهاجرت‌های غیر تبعی و مستقل زنان، وضعیت و موقعیت اقتصادی و اجتماعی زنان در جامعه‌ی مبدأ و فرض زنان از موقعیت‌های خود در جامعه‌ی مقصد در تصمیم‌گیری آنها در امر مهاجرت نقش عمده‌ای را ایفاء می‌کند. در این مقاله رویکرد نظری ساختاری که بر تغییرات ساختار اقتصادی - اجتماعی جامعه و به تبع آن تحول موقعیت‌های نقشی و شغلی زنان تأکید دارد، استفاده شده است. فرض اصلی نظری این پژوهش آن است که ایجاد زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی برای دستیابی به فرصت‌های تحصیلی و شغلی بین زنان به تحرکات جغرافیایی و مهاجرتی آنها منجر شده است؛ لذا بر اساس رویکرد نظری مذکور مدل نظری ذیل تدوین شده است. در این مدل، چنین فرض شده است که تغییر در بسترهای اجتماعی - اقتصادی و جمعیتی کشور منجر به تحرک جغرافیایی بیشتر زنان شده است.

مدل تحقیق: تعیین کننده‌های احتمال مهاجرت زنان



۴- فرضیه‌های پژوهش

۱. مقصد مهاجرتی زنان بر حسب ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی شان متفاوت است.
۲. احتمال مهاجرت زنان ساکن در نقاط روستایی بیشتر از زنان ساکن در نقاط شهری است.
۳. احتمال مهاجرت زنان مجرد بیشتر از زنان متأهل است.
۴. احتمال مهاجرت زنان با سواد بیشتر از زنان بی سواد است.
۵. احتمال مهاجرت زنان شاغل بیشتر از زنان غیر شاغل است.

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

۶. زنان با رشته‌ی تحصیلی تخصصی‌تر بیشتر از زنان دیگر مهاجرت می‌کنند.

۷. زنان با تحصیلات بالاتر احتمال مهاجرتشان به پایتخت نسبت به سایر نقاط بیشتر است.

۸. بین علت مهاجرت و مقصدهای مهاجرتی زنان (پایتخت و سایر نقاط) رابطه وجود دارد.

### ۵- روش پژوهش

در این تحقیق از داده‌های خام دو درصد سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰ که مرکز آمار گردآوری کرده، استفاده شده است. بنابراین روش این پژوهش، تحلیل ثانویه‌ی داده‌های سرشماری است. روش نمونه‌گیری تصادفی نیز طبقه‌بندی شده در نظر گرفته شده است. کسر نمونه‌گیری در هر طبقه ۰/۰۲ بوده است. حداکثر خطای نسبی بین ۰/۰۲ تا ۰/۰۹ متغیر و به طور متوسط برابر ۰/۰۵ است.

جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی زنان ۱۵-۵۹ ساله در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰ است که مرکز آمار گردآوری کرده است. جمعیت زنان در سرشماری سال ۱۳۹۰، برابر ۳۲۲۴۴۰۰۰ نفر است. در این تحقیق زنان (مهاجر و غیرمهاجر) که در داده‌های خام دو درصد سرشماری سال ۱۳۹۰ موجود هستند، به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شده که این تعداد برابر ۷۳۸۹۵۱ نفر است. به منظور انتخاب نمونه‌ی نهایی مورد نظر، ابتدا سن زنان مهاجر غیرتبعی تهران و سایر نقاط را در نظر گرفته (زنان واقع

در سن ۵۹-۱۵ساله) بعد بر اساس فراوانی زنان مهاجرت کرده به سایر نقاط کشور در هر گروه سنی در میان زنان غیرمهاجر نیز همان تعداد (فراوانی) که در هر گروه وجود داشت را در نظر گرفته تا بتوان به نمونه‌ی نهایی دست یافت. نمونه‌ی بررسی شده شامل ۱۴۳۹۴ نفر (۱۵۲۸ نفر مهاجر به تهران، ۶۴۳۳ نفر مهاجر به سایر نقاط کشور و ۶۴۳۳ نفر غیرمهاجر) است. داده‌های گردآوری شده با استفاده از روش‌های آماری توصیفی و استنباطی تجزیه و تحلیل شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی از نرم افزار SPSS استفاده شد. از آزمون رگرسیون لجستیک چند وجهی برای برآورد احتمالات مهاجرتی زنان بر حسب ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی استفاده خواهد شد.

## ۶- یافته‌های پژوهش

### ۶-۱- ترکیب سنی زنان مهاجر

توزیع درصدی پاسخ‌گویان بر حسب متغیر سن نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد مهاجرت‌های زنان در مقطع سنی ۳۴- ۲۰ ساله رخ می‌دهد، از سن ۳۵ سالگی به بعد احتمال مهاجرت زنان کاهش چشمگیری می‌یابد. در مجموع می‌توان گفت که مهاجران به سایر نقاط کشور به غیر از پایتخت نسبت به مهاجران به تهران در سنین جوان‌تری قرار دارند.



تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

## ۲-۶- ویژگی‌های آموزشی زنان مهاجر

مقایسه‌ی سطح سواد پاسخ‌گویان نشان می‌دهد که نسبت باسوادی در بین زنان مهاجر به تهران با اندکی تفاوت بیشتر از مهاجران به سایر نقاط است. همچنین بین غیر مهاجران سطح بی‌سوادی بیشتر است. توزیع فراوانی و درصدی مهاجران و غیر مهاجران بر حسب سطوح تحصیلات (ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، دانشگاهی) نشان می‌دهد که در بین مهاجران، بیشترین درصد مربوط به تحصیلات «دانشگاهی» است و کمترین درصد در بین مهاجران به تهران، مربوط به مقطع ابتدایی و در بین مهاجران به سایر نقاط کشور مقطع راهنمایی است. بدین ترتیب می‌توان گفت که مهاجران زن نسبت به غیر مهاجران مدارج تحصیلی بالاتری دارند.

جدول ۱- توزیع نسبی و فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب رشته‌ی تحصیلی

جمع		وضعیت مهاجرت					
		غیرمهاجر		مهاجر به سایر نقاط		مهاجر به تهران	
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
۳۷/۷	۴۷۵۸	۴۵/۵	۲۴۴۹	۳۲/۱	۱۸۷۳	۳۱/۲	۴۳۶
۲/۱	۲۷۱	۱/۹	۱۰۴	۲/۵	۱۴۷	۱/۴	۲۰
۱۹/۸	۲۴۹۳	۲۰/۰	۱۰۷۳	۱۸/۹	۱۱۰۵	۲۲/۶	۳۱۵
۱۲/۱	۱۵۳۰	۹/۵	۵۱۲	۱۴/۷	۸۵۷	۱۱/۵	۱۶۱

۱- برای پایه یا مدرک تحصیلی مربوط به دوره‌هایی که به رشته‌های مختلف تقسیم نشده است؛ مانند دوره‌ی ابتدایی، دوره‌ی راهنمایی، اول متوسطه و نهضت سوادآموزی به کار رفته است.

		وضعیت مهاجرت						
جمع		غیرمهاجر		مهاجر به سایر نقاط		مهاجر به تهران		رشته‌ی تحصیلی
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۳/۸	۱۷۳۴	۱۳/۳	۷۱۵	۱۳/۵	۷۸۸	۱۶/۵	۲۳۱	علوم ریاضیات و محاسبات
۸/۴	۱۰۵۸	۵/۳	۲۸۶	۱۰/۶	۶۱۸	۱۱/۰	۱۵۴	مهندسی تولید و ساخت
۲۰/۰	۱۵۶	۰/۷	۳۷	۱/۸	۱۰۳	۱/۱	۱۶	کشاورزی و دامپزشکی
۳/۱	۳۹۲	۲/۳	۱۲۴	۴/۰	۲۳۴	۲/۴	۳۴	بهداشت و پزشکی
۱/۷	۲۱۵	۱/۴	۷۷	۱/۹	۱۰۹	۲/۱	۲۹	خدمات
۱۰۰/۰	۱۲۶۰۷	۱۰۰/۰	۵۳۷۷	۱۰۰/۰	۵۸۳۴	۱۰۰/۰	۱۳۹۶	جمع

بررسی وضعیت مهاجرت بر حسب رشته‌های تحصیلی نشان می‌دهد که درصد زنان مهاجر در رشته‌های «علوم ریاضیات، مهندسی تولید و ساخت، علوم انسانی و هنر، کشاورزی و دامپزشکی و خدمات» به تهران بیشتر از زنان مهاجر به سایر نقاط و غیرمهاجران است؛ لذا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بیشتر مهاجران مستقل زن به تهران از زنان تحصیل کرده‌تر و متخصص‌تر از زنان بومی و مهاجر به سایر نقاط کشور هستند (جدول ۱).

### ۳-۶- وضع فعالیت و ویژگی‌های شغلی زنان مهاجر

درصد زنان شاغل مهاجر به تهران، از نظر وضع فعالیت، بیشتر از زنان مهاجر به سایر نقاط و غیرمهاجران است. همچنین درصد اشتغال بین مهاجران زن بیشتر از غیرمهاجران است. به لحاظ گروه‌های شغلی، بین

مهاجران به تهران بیشترین درصد مربوط به مشاغل «مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی» و کمترین درصد مربوط به مشاغل «کارکن فامیلی بدون مزد» است. در بین مهاجران به سایر نقاط، بیشترین درصد مربوط به مشاغل «مزد و حقوق بگیر بخش عمومی» و کمترین میزان مربوط به مشاغل «کارکن فامیلی بدون مزد» است. در بین غیر مهاجران، بیشترین میزان مربوط به مشاغل «مزد و حقوق بگیر بخش عمومی» و کمترین میزان مربوط به مشاغل «کارفرما» است (جدول ۲).

جدول ۲- توزیع نسبی و فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب وضع شغلی

وضع شغلی		وضعیت مهاجرت						
		مهاجر به تهران		مهاجر به سایر نقاط		غیر مهاجر		
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	
کارفرما	۲۱	۷/۳	۱۷	۱/۴	۱۸۱	۲/۸	۵۶	۲/۶
کارکن مستقل	۲۹	۱۰/۰	۱۹۳	۱۶/۳	۱۲۶	۱۹/۴	۳۴۸	۱۶/۴
مزد و حقوق بگیر بخش عمومی	۹۰	۳۱/۱	۵۱۱	۴۳/۳	۲۵۳	۳۸/۹	۸۴	۴۰/۳
مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	۱۴۷	۵۰/۹	۳۸۰	۳۲/۲	۱۵۶	۲۴/۰	۶۸۳	۳۲/۲
کارکن فامیلی بدون مزد	۲	۰۰/۷	۸۰	۶/۸	۹۷	۱۴/۹	۱۷۹	۸/۴
جمع	۲۸۹	۱۰۰/۰	۱۱۸۱	۱۰۰/۰	۶۵۰	۱۰۰/۰	۲۱۲۰	۱۰۰/۰

نسبت «کارفرما» و «مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی» در زنان مهاجر به تهران بیشتر از مهاجران به سایر نقاط و غیر مهاجران است، که نشان دهنده‌ی نوعی فرآیند انتخاب مهاجران زن مستقل بر اساس گروه شغلی است. در بین مهاجران به سایر نقاط و غیرمهاجران مشاغل «مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی و عمومی» بیشتر از سایر مشاغل است. بالاتر بودن درصد کارفرمایان در بین مهاجران به تهران نسبت به مهاجران سایر نقاط کشور و غیرمهاجران به این دلیل است که افرادی که سرمایه و تحصیلات بیشتری دارند، به استان تهران مهاجرت کرده و در آنجا به عنوان کارفرما به کار مشغول می‌شوند. از طرف دیگر در مورد فعالیت در بخش خصوصی و عمومی می‌توان گفت، احتمالاً زنان مهاجر به تهران به لحاظ وضعیت سرمایه و امکانات ضروری برای زندگی، نسبت به مهاجران وارده به سایر نقاط وضعیت مساعدتری دارند، آنها کارکنان مستقلی هستند که به دنبال ارتقاء وضعیت اقتصادی - اجتماعی خود هستند و بیشتر به مشاغل بخش خصوصی روی می‌آورند و در شهرها و کلان‌شهرهایی چون تهران امکان تحقق اهداف آنها بیشتر است. لذا درصد مهاجرین وارده به تهران در فعالیت بخش خصوصی بیشتر از بخش عمومی است.

#### ۶-۴- ویژگی‌های مهاجرتی زنان

##### الف- مقایسه‌ی محل تولد و سکونت

از نظر محل سکونت، در هر دو گروه زنان (مهاجران به تهران و مهاجران به سایر نقاط) بالاترین سهم مربوط به زنان ساکن در نقاط شهری است.

توزیع درصدی پاسخ‌گویان از نظر محل تولد نشان می‌دهد، در بین مهاجران به تهران بالاترین سهم مربوط به «شهر دیگر» است. به عبارت روشن‌تر سهم متولدین شهرها در مهاجران به تهران بیشتر از مهاجران به سایر نقاط است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که زنان متولد و ساکن در نقاط شهری نسبت به زنان ساکن و متولد نقاط روستایی بیشتر مهاجر هستند.

### ب- علت مهاجرت

بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۳، ۳۵ درصد از زنان پاسخ‌گو «دست‌یابی به مسکن» را مهم‌ترین عامل برای مهاجرت به تهران اعلام کرده‌اند، بعد از این عامل نزدیک به ۲۸/۶ درصد زنان «جست‌وجوی کار و ادامه تحصیل» را مهم‌ترین عوامل برای مهاجرت به تهران بیان کرده‌اند و سایر عوامل به ترتیب اولویت شامل «انتقال شغلی» و «پایان تحصیل» است. برای مهاجرت به سایر نقاط نیز «دست‌یابی به مسکن» و بعد از آن «تحصیل» بیشترین درصد را به خود اختصاص داده‌اند. بر اساس نتایج موجود در جدول شماره ۳، ملاحظه می‌شود افرادی که به دلیل کار و کار بهتر مهاجرت می‌کنند بیشتر تهران را به عنوان مقصد مهاجرتی بر می‌گزینند. شاید دلیل آن را بتوان وجود منابع و امکانات موجود در استان تهران دانست که امکان اشتغال را برای افراد با مهارت‌ها و تخصص‌های گوناگون فراهم کرده است. در واقع، وجود امکانات و تسهیلات آموزشی (جاذبه‌های مقصد) در استان تهران از عواملی است که باعث شده است زنان و به خصوص زنان با تحصیلات دانشگاهی، برای کار و یا پیدا کردن کار بهتر، مهاجرت با این استان را به سایر نقاط ترجیح دهند.

جدول ۳- توزیع نسبی و فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب علت مهاجرت

وضعیت مهاجرت						
جمع		مهاجر به سایر نقاط		مهاجر به تهران		علت مهاجرت
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷/۹	۶۳۰	۶/۹	۴۴۶	۱۲/۰	۱۸۴	جستجوی کار
۴/۳	۳۴۰	۳/۹	۲۵۴	۵/۶	۸۶	جستجوی کار بهرتر
۶/۹	۵۵۳	۷/۵	۴۸۳	۴/۶	۷۰	انتقال شغلی
۱۷/۸	۱۴۱۶	۱۹/۴	۱۲۴۸	۱۱/۰	۱۶۸	تحصیل
۴/۳	۳۴۶	۵/۰	۳۲۳	۱/۵	۲۳	پایان تحصیل
۲۸/۸	۲۲۹۰	۲۷/۲	۱۷۵۰	۳۵/۳	۵۴۰	دستیابی به مسکن بهتر
۳۰/۰	۲۳۸۶	۳۰/۰	۱۹۲۹	۲۹/۹	۴۵۷	سایر دلایل
۱۰۰/۰	۷۹۶۱	۱۰۰/۰	۶۴۳۳	۱۰۰/۰	۱۵۲۸	جمع

ج- مبدأ مهاجرت (محل اقامت قبلی)

وضعیت زنان مهاجر به لحاظ مبدأ مهاجرت نشان می‌دهد که تعداد افراد با مبدأ شهری در بین مهاجران به تهران بیشتر از سایر نقاط است و در مجموع مبدأ «شهری» در هر دو نوع مهاجران (تهران و سایر نقاط) بیشتر از مبدأ «روستایی» است. می‌توان گفت ساکنین در نقاط شهری به علت ارتباط با سایر مراکز شهری و شناختی که از امکانات و تسهیلات موجود در آنها به دست می‌آورند، نسبت به ساکنین در نقاط روستایی بیشتر به مهاجرت ترغیب می‌شوند.

جدول ۴- توزیع نسبی و فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب مبدأ مهاجرت

جمع		وضعیت مهاجرت				مبدأ مهاجرت
		مهاجر به سایر نقاط		مهاجر به تهران		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۲۵/۰	۱۹۹۴	۲۲/۵	۱۴۵۰	۳۵/۶	۵۴۴	شهر در همین شهرستان
۱۲/۶	۱۰۰۰	۱۴/۸	۹۵۴	۳/۰	۴۶	آبادی در همین شهرستان
۵۸/۱	۴۶۲۷	۵۸/۴	۳۷۵۹	۵۶/۸	۸۶۸	شهر دیگر
۴/۳	۳۴۰	۴/۲	۲۷۰	۴/۶	۷۰	آبادی دیگر
۱۰۰/۰	۷۹۶۱	۱۰۰/۰	۶۴۳۳	۱۰۰/۰	۱۵۲۸	جمع

#### د- نوع مهاجرت

مقادیر موجود در جدول شماره‌ی ۵ نشان می‌دهند، انواع مهاجرت‌ها بین زنان است. ۸۷/۴ درصد انواع مهاجرت‌های زنان از نوع مهاجرت‌های «شهر به شهر» هستند و مهاجرت‌های «روستا به روستا» کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. به طور کلی، مهاجران «شهر به شهر» در زنان مهاجر به تهران بیشتر از زنان مهاجر به سایر نقاط است، در واقع بیشتر این زنان مبدأ شهری داشته و شهر را نیز به عنوان مقصد مهاجرت خود برگزیده‌اند.

جدول ۵- توزیع نسبی و فراوانی پاسخ‌گویان بر حسب نوع مهاجرت

جمع		وضعیت مهاجرت				نوع مهاجرت
		مهاجر به سایر نقاط		مهاجر به تهران		
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۷۲/۳	۵۷۵۵	۶۸/۷	۴۴۱۹	۸۷/۴	۱۳۳۶	شهر به شهر
۱۰/۹	۸۶۶	۱۲/۳	۷۹۰	۵/۰	۷۶	شهر به روستا
۱۱/۰	۸۷۴	۱۲/۱	۷۷۷	۶/۳	۹۷	روستا به شهر
۵/۹	۴۶۶	۶/۹	۴۴۷	۱/۲	۱۹	روستا به روستا
۱۰۰/۰	۷۹۶۱	۱۰۰/۰	۶۴۳۳	۱۰۰/۰	۱۵۲۸	جمع

#### ۶-۵- تحلیل تعیین‌کننده‌های مهاجرت بین زنان با استفاده از رگرسیون لجستیک چند سطحی

در جدول شماره‌ی (۶) نتایج مدل رگرسیون لجستیک چند سطحی، برای بررسی تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل در احتمال مهاجرت زنان گزارش شده است. این جدول از دو بخش مجزا تشکیل شده است؛ در بخش اول احتمالات مهاجرت به تهران و در بخش دوم احتمالات مهاجرت به سایر نقاط کشور بررسی و تحلیل شده است. متغیرهای وضع شغلی، وضع تأهل، سطح تحصیلات، رشته‌ی تحصیلی، محل تولد، وضع سواد، وضع فعالیت، محل اقامت به عنوان متغیرهای مستقل (پیش‌بینی‌کننده‌ها) و متغیر احتمال مهاجرت به عنوان متغیر وابسته (پیش‌بینی‌شونده) به تهران و به سایر نقاط وارد مدل شده‌اند.



تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

نتایج برازش مدل رگرسیون لجستیک چند سطحی نشان می‌دهد، زنانی که محل تولدشان در شهرهاست احتمال مهاجرتشان به تهران از سایر گروه‌ها بیشتر است. مثبت بودن ضریب بتا نمایی و سطح معناداری (۰/۰۰۰)، احتمال مهاجرت به تهران برای افراد شهری نسبت به گروه مرجع (روستایی)  $2/7$  برابر گروه مرجع و برای مهاجرت به سایر نقاط کشور  $0/23$  درصد است. بنابراین، احتمال مهاجرت زنان شهرنشین به تهران بیشتر بوده و در نتیجه این فرضیه که زنان روستایی بیشتر مهاجرت می‌کنند، رد می‌شود.

بررسی احتمالات مهاجرت زنان بر حسب وضعیت تأهل نشان می‌دهد، زنان مطلقه احتمال مهاجرتشان به تهران  $7/5$  برابر گروه مرجع و به سایر نقاط  $6$  برابر گروه مرجع (زنان همسر دار) است. به طور کلی ضرایب بتای نمایی نشان می‌دهد که در بین مهاجران مستقل زن سهم زنان مطلقه و بی‌همسر به دلیل فوت بیشتر از سایر گروه‌هاست.

«وضعیت شغلی» یکی از متغیرهای اقتصادی مؤثر در احتمال مهاجرت است. همچنان که مطالعات محمودیان (۱۳۸۸)، جعفری (۱۳۸۸)، جیاکون (۲۰۱۱) و فیندلی (۱۹۹۴) نشان داد عامل شغل یکی از تعیین‌کننده‌های عمده‌ی مهاجرت زنان است. در بخش توصیفی این مطالعه هم ملاحظه شد که یکی از علل مهاجرت زنان جست‌وجوی کار است، اما از نظر ترکیب شغلی، همچنان که ملاحظه می‌شود ضرایب بتای نمایی برای مهاجرت به تهران در تمام گروه‌های شغلی کمتر از گروه مرجع (زنان کارفرما) است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت که احتمال مهاجرت زنان کارفرما به تهران بیشتر است.

با توجه به بتای نمایی (۲/۱۸۵) کارکنان زن مستقل به سایر نقاط کشور که در سطح ۹۴ درصد هم معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که احتمال مهاجرت زنان کارکن مستقل بیش از سایر گروه‌های شغلی است. به نظر می‌رسد استقلال شغلی و مالی یکی از محرک‌های عمده‌ی مهاجرت بین زنانی است که مستقل مهاجرت می‌کنند (جدول ۶).

«رشته‌ی تحصیلی» زنان مهاجر به عنوان یک متغیر اجتماعی تبیین‌کننده‌ی وضعیت مهاجرت، نشان می‌دهد که در بین زنان مهاجر به تهران، با توجه به اینکه ضریب بتای نمایی به جز برای رشته‌ی تحصیلی مهندسی تولید و ساخت برای سایر رشته‌های تحصیلی کمتر از یک است بنابراین به غیر از این رشته، احتمال مهاجرت به تهران برای سایر رشته‌های تحصیلی نسبت به رشته‌ی مرجع (خدمات) کاهش می‌یابد؛ لذا در بین زنان مهاجر مستقل، احتمال مهاجرت زنان متخصص به تهران بیشتر از سایر گروه‌هاست. در مورد مهاجران به سایر نقاط با توجه به اینکه ضریب بتا به جز برای رشته‌ی تحصیلی علوم تربیتی برای سایر رشته‌های تحصیلی مثبت است، بنابراین به جز این رشته‌ی تحصیلی، برای هر یک از رشته‌های تحصیلی دیگر نسبت به رشته‌ی مرجع (خدمات) احتمال مهاجرت افزایش می‌یابد. برای رشته‌ی مهندسی تولید و ساخت، احتمال مهاجرت به سایر نقاط (۲/۹-۱)، یعنی ۱/۹ برابر گروه مرجع (خدمات) است. بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که احتمال مهاجرت زنان با تحصیلات تخصصی به ویژه مهندسی و پزشکی نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی بیشتر است؛ لذا می‌توان یکی از محرک‌های تحرک مکانی زنان را تخصص‌گرایی و مهارت‌گرایی زنان دانست.

احتمال مهاجرت همین رشته‌ی تحصیلی برای مهاجران به تهران (۱/۳-۱) یعنی ۰/۳ درصد نسبت به گروه مرجع است. یعنی تحصیل‌کنندگان این رشته‌ی تحصیلی بیشتر مهاجرت به سایر نقاط را می‌پسندند. در رشته‌ی بهداشت و پزشکی احتمال مهاجرت به سایر نقاط ۱/۰ برابر گروه مرجع است و در مورد مهاجران به تهران با توجه به منفی بودن ضریب بتا، ۰/۴۸ درصد کمتر از گروه مرجع است و این افراد بیشتر مهاجرت به سایر نقاط را ترجیح می‌دهند.

تحصیل‌کنندگان رشته‌ی علوم ریاضیات، احتمال مهاجرتشان به سایر نقاط نسبت به گروه مرجع ۰/۲۰ درصد و برای مهاجران به تهران، ۰/۱۴ درصد کمتر از گروه مرجع است و این افراد بیشتر مهاجرت به سایر نقاط را برمی‌گزینند. احتمال مهاجرت به سایر نقاط برای رشته‌ی علوم انسانی و هنر، ۰/۱۸۵ بیشتر از گروه مرجع و برای مهاجران به تهران ۰/۲۰ درصد کمتر از گروه مرجع است و این رشته‌ی تحصیلی بیشتر مهاجرت به سایر نقاط را می‌پسندند. در مورد رشته‌ی علوم اجتماعی، احتمال مهاجرت به سایر نقاط ۰/۳۴ درصد بیشتر از گروه مرجع و برای مهاجران به تهران ۰/۴۷ درصد کمتر از گروه مرجع است؛ لذا بیشتر مهاجرت به تهران را بر می‌گزینند.

جدول ۶- تعیین کننده‌های احتمالات مهاجرت به تهران و سایر نقاط کشور در بین زنان

متغیرها	B	Std. Error	Wald	df	Sig.	Exp(B) <sup>۱</sup>	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
							حد پایین	حد بالا
مهاجرت به تهران	Intercept	۰/۹۳۳	۸/۹۵۹	۱	۰/۰۰۳	—	—	—
محل تولد	شهر	۰/۱۹	۱۲۷/۷۴۴	۱	۰/۰۰۰	۸/۵۱۶	۵/۸۷۴	۱۲/۳۴۷
	روستا	۰/۸۶۴	۷/۱۳۱	۱	۰/۰۰۸	۲/۳۰۱	۱/۲۴۸	۴/۲۴۳
	خارج از کشور	۲۲/۰۶۱	۹۹۸/۲۵۲	۱	۰/۰۰۰	۳/۸۱	۹/۷۰	۱/۵۰
	همین شهر یا آبادی (مرجع)							
وضع نخل	ازدواج نکرده	۰/۹۰۲	۲۱/۲۰۴	۱	۰/۰۰۰	۲/۴۶۵	۱/۶۷۹	۳/۶۲
	بی همسر به دلیل طلاق	۲/۰۲	۳۸/۰۰۵	۱	۰/۰۰۰	۷/۵۳۵	۳/۹۶۵	۱۴/۳۲
	بی همسر به دلیل فوت همسر	۱/۵	۱۲/۷۶۵	۱	۰/۰۰۰	۴/۴۸۱	۱/۹۶۸	۱۰/۲۰۱
	دارای همسر (مرجع)							
	کارکن فامیلی بدون مزد	۳/۵۹۶-	۱/۰۹	۱۰/۸۹۳	۱	۰/۰۰۱	۰/۰۲۷	۰/۰۰۳
وضع شغل	مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	۰/۵۳۶-	۱/۶۹۷	۱	۰/۱۹۳	۰/۵۸۵	۰/۲۶۱	۱/۳۱۱
	مزد و حقوق بگیر بخش عمومی	۱/۳۶-	۱۰/۴۰۶	۱	۰/۰۰۱	۰/۲۵۷	۰/۱۱۲	۰/۵۸۶
	کارکن مستقل	۱/۳۷۵-	۰/۴۵۶	۹/۰۹۴	۱	۰/۰۰۳	۰/۲۵۳	۰/۶۱۸
	کارفرما (مرجع)							

۱- ضریب بتای نمایی همان نسبت شانس یا کسر برتری (Odds Ratio) است که Odds دو رخداد را با یک دیگر مقایسه می‌کند. همواره گروه مرجع دارای Odds برابر با یک است و جهت تفسیر ضریب بتای نمایی سایر گروه‌های آن را با گروه مرجع مقایسه می‌کنند.

متغیرها	B	Std. Error	Wald	df	Sig.	Exp(B) <sup>۱</sup>	سطح اطمینان ۹۵ درصد		
							حد پایین	حد بالا	
محل سکونت	شهر	۰/۳۳۴	۱۶/۹۸۲	۱	۰/۰۰۰	۳/۷۹۶	۲/۰۱۳	۷/۱۵۹	
	روستا (مرجع)								
رشته‌های تحصیلی	مهندسی تولید و ساخت	۰/۳۳۵	۰/۴۰۵	۱	۰/۵۲۵	۱/۳۹۸	۰/۴۹۸	۳/۹۲۷	
	پهداشت و پزشکی	-۰/۶۶۲	۰/۵۴۷	۱	۰/۲۲۷	۰/۵۱۶	۰/۱۷۷	۱/۵۰۸	
	علوم ریاضیات	-۰/۱۵۷	۰/۴۹	۱	۰/۷۴۹	۰/۸۵۵	۰/۳۲۷	۲/۲۳۵	
	علوم انسانی و هنر	-۰/۳۳۱	۰/۴۷۵	۱	۰/۶۲۷	۰/۷۹۴	۰/۳۱۳	۲/۰۱۵	
	علوم اجتماعی	-۰/۶۳۷	۰/۴۸۹	۱	۰/۱۹۳	۰/۵۲۹	۰/۲۰۳	۱/۳۸	
	علوم تربیتی	-۰/۹۵۸	۰/۵۵۱	۱	۰/۰۸۲	۰/۳۸۴	۰/۱۳	۱/۱۲۹	
	کشاورزی و دامپزشکی	-۰/۰۵۸	۰/۷۴۹	۱	۰/۹۳۸	۰/۹۴۳	۰/۲۱۷	۴/۰۹۷	
	خدمات (مرجع)								
	دانشگاهی	۱/۰۷۵	۰/۶۹	۲/۴۲۶	۱	۰/۱۱۹	۲/۹۳۱	۰/۷۵۷	۱۱/۳۳۹
	سطح تحصیلات	متوسطه	۰/۶۱۴	۰/۶۶۹	۱	۰/۳۵۹	۱/۸۴۷	۰/۴۹۸	۶/۸۴۷
راهنمایی		-۰/۱۵۵	۰/۴۴۵	۱	۰/۷۲۷	۰/۸۵۶	۰/۳۵۸	۲/۰۴۷	
ابتدایی (مرجع)									

متغیرها	B	Std. Error	Wald	df	Sig.	Exp(B) <sup>۱</sup>	سطح اطمینان ۹۵ درصد	
							حد پایین	حد بالا
Intercept	۲/۰۲۸-	۰/۶۶۷	۹/۲۴۲	۱	۰/۰۰۲	-----	-----	-----
شهر دیگر	۱/۶۸۸	۰/۱۳۸	۱۴۸/۷۷۸	۱	۰/۰۰۰	۵/۴۱۱	۴/۱۲۵	۷/۰۹۸
آبادی دیگر	۱/۱۳۳	۰/۱۸۱	۳۸/۵۹۱	۱	۰/۰۰۰	۳/۰۷۵	۲/۱۵۸	۴/۳۸۴
خارج از کشور	۲۰/۴۰۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۱	۰/۰۰۰	۷/۲۶	۷/۲۶	۷/۲۶
همین شهر یا آبادی (مرجع)								
ازدواج نکرده	۰/۵۲۲	۰/۱۳۷	۱۴/۵۶۸	۱	۰/۰۰۰	۱/۶۸۶	۱/۲۸۹	۲/۲۰۶
بی‌همسر به دلیل طلاق	۱/۸۰۳	۰/۲۷۱	۴۴/۲۸۳	۱	۰/۰۰۰	۶/۰۶۷	۳/۵۶۷	۱۰/۳۱۷
بی‌همسر به دلیل فوت همسر	۱/۲۸۷	۰/۳۲۵	۱۵/۷۱۸	۱	۰/۰۰۰	۳/۶۲۱	۱/۹۱۷	۶/۸۴
دارای همسر (مرجع)								
کارکن فامیلی بدون مزد	۰/۵۱۱	۰/۴۳۸	۱/۳۵۸	۱	۰/۲۴۴	۱/۶۶۷	۰/۷۰۶	۳/۹۳۶
مزد و حقوق بگیر بخش خصوصی	۰/۶۹۶	۰/۴۰۹	۲/۹	۱	۰/۰۸۹	۲/۰۰۷	۰/۹	۴/۴۷۲
مزد و حقوق بگیر بخش عمومی	۰/۵۷۱	۰/۴۱	۱/۹۴۵	۱	۰/۱۶۳	۱/۷۷۱	۰/۷۹۳	۳/۹۵۳
کارکن مستقل	۰/۷۸۱	۰/۴۱۹	۳/۴۸۲	۱	۰/۰۶۲	۲/۱۸۵	۰/۹۶۱	۴/۹۶۴
کارفرما (مرجع)								

متغیرها	B	Std. Error	Wald	df	Sig.	Exp(B) <sup>۱</sup>	سطح اطمینان ۹۵ درصد		محل سکونت	
							حد پایین	حد بالا		
شهر	۰/۲۰۸	۰/۱۵۴	۱/۸۱۶	۱	۰/۱۷۸	۱/۳۳۱	۰/۹۱	۱/۶۶۵	محل سکونت	
روستا (مرجع)										
مهندسی تولید و ساخت	۱/۰۹۸	۰/۴۰۴	۷/۳۹۸	۱	۰/۰۰۷	۲/۹۹۸	۱/۳۵۹	۶/۶۱۲	رشته‌های تحصیلی	
بهداشت و پزشکی	۰/۷۲۶	۰/۳۸۳	۳/۶۰۲	۱	۰/۰۵۸	۲/۰۶۸	۰/۹۷۷	۴/۳۷۸		
علوم ریاضیات	۰/۱۸۲	۰/۳۶۴	۰/۲۵	۱	۰/۶۱۷	۱/۲	۰/۵۸۸	۲/۴۴۶		
علوم انسانی و هنر	۰/۱۷	۰/۳۵۱	۰/۲۳۴	۱	۰/۶۲۹	۱/۱۸۵	۰/۵۹۶	۲/۳۵۵		
علوم اجتماعی	۰/۲۹۹	۰/۳۵۶	۰/۷۰۵	۱	۰/۴۰۱	۱/۳۴۹	۰/۶۷۱	۲/۷۱۳		
علوم تربیتی	۰/۳۳-	۰/۳۸۴	۰/۸۳۸	۱	۰/۳۹	۰/۷۱۹	۰/۳۳۹	۱/۵۲۶		
کشاورزی و دامپزشکی	۰/۴۳۹	۰/۵۶۵	۰/۶۰۴	۱	۰/۴۳۷	۱/۵۵۱	۰/۵۱۳	۴/۶۹۵		
خدمات (مرجع)										
دانشگاهی	۰/۸۴۹	۰/۴۳	۳/۹۰۷	۱	۰/۰۴۸	۲/۳۳۸	۱/۰۰۷	۵/۴۷۷		سطح تحصیلات
متوسطه	۰/۱۴۹	۰/۴۱	۰/۱۳۱	۱	۰/۷۱۷	۱/۱۶	۰/۵۱۹	۲/۵۹۳		
راهنمایی	۰/۵۶۸-	۰/۲۵۶	۴/۹۱۷	۱	۰/۰۲۷	۰/۵۶۷	۰/۳۳۳	۰/۹۳۶		
ابتدایی (مرجع)										

طبقه‌ی مرجع: غیر مهاجر

در رشته‌ی علوم تربیتی، احتمال مهاجرت به سایر نقاط ۰/۲۸ درصد کمتر از گروه مرجع و برای مهاجران به تهران ۰/۶۱ درصد کمتر از گروه

مرجع است و در واقع افراد با این رشته‌ی تحصیلی بیشتر عدم مهاجرت را برمی‌گزینند. برای رشته‌ی کشاورزی و دامپزشکی، احتمال مهاجرت به تهران ۰/۰۵ کمتر از گروه مرجع و برای مهاجران به سایر نقاط ۰/۵۵ بیشتر از گروه مرجع است، تحصیل‌کنندگان این رشته‌ی تحصیلی بیشتر مهاجرت به سایر نقاط کشور دارند. در واقع بیشتر رشته‌های تحصیلی مهاجرت به سایر نقاط کشور را به مهاجرت به تهران و عدم مهاجرت ترجیح می‌دهند. در بین افراد مطالعه شده، فقط احتمال مهاجرت به سایر نقاط کشور برای رشته‌ی تحصیلی مهندسی تولید و ساخت از نظر آماری معنادار (۰/۰۰۷) شده است. سطح تحصیلات یکی از متغیرهای اجتماعی تأثیرگذار در وضعیت مهاجرت است. با توجه به نتایج به دست آمده در جدول بالا، احتمال مهاجرت به تهران برای افراد با تحصیلات دانشگاهی ۲/۹ برابر گروه مرجع (تحصیلات ابتدایی) و این رقم برای مقطع متوسطه ۰/۸۴ درصد بیشتر از گروه مرجع و برای افراد با تحصیلات راهنمایی ۰/۱۴ درصد کمتر از گروه مرجع است. احتمال مهاجرت به سایر نقاط برای افراد با تحصیلات دانشگاهی ۲/۴ برابر گروه مرجع و این رقم برای مقطع متوسطه ۰/۱۶ درصد بیشتر از گروه مرجع و برای افراد با تحصیلات راهنمایی ۰/۴۳ درصد کمتر از گروه مرجع است. بنابراین احتمال مهاجرت افراد با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی و احتمال مهاجرت به تهران برای دو گروه تحصیلی دانشگاهی و راهنمایی بیشتر از مهاجرت به سایر نقاط و از نظر آماری معنادار است.



## بحث و نتیجه‌گیری

طی نیم قرن گذشته، مهاجرت داخلی و خارجی زنان افزایش چشمگیری داشته است. بر اساس برآوردهای سازمان ملل سهم زنان از مهاجرت‌های بین‌المللی از ۶/۶ درصد در سال ۱۹۶۰ به ۸/۸ درصد در سال ۲۰۰۰ رسیده است (سازمان ملل، ۲۰۰۳). همچنین سهم زنان در مهاجرت‌های داخلی ایران از ۵ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۸ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است؛ لذا مهاجرت زنان پدیده‌ای است که در جوامع مختلف رو به افزایش بوده و حتی برخی از صاحب نظران از آن تحت عنوان زنانه شدن مهاجرت یاد می‌کنند.

تحرك مکانی و اجتماعی دو استراتژی شناخته شده برای «دسترسی»<sup>۱</sup> به امتیازات اجتماعی بین مردان و زنان است. مطالعات نشان می‌دهد که دسترسی یک پدیده‌ی جنسیتی است. نوع، میزان و حدود انواع دسترسی با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جوامع بین زنان و مردان متفاوت است. تحولات اقتصادی - اجتماعی و نوسازی، زمینه‌های دسترسی به امتیازات اقتصادی - اجتماعی را برای زنان به شدت افزایش داده است. در بیشتر جوامع امروزی، زنان به دنبال دسترسی به تحصیل، اطلاعات، پول، امکانات، مهارت، موقعیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی و... هستند. یکی از اهرم‌های زمینه‌ساز برای دسترسی‌های بیشتر به این امتیازات تحرك مکانی و مهاجرت است. تحولات شرایط اقتصادی - اجتماعی در

1- Access

کشور، افزایش چشمگیر زنان در تحصیلات عالی و افزایش سهم زنان در مشارکت‌های اقتصادی و اجتماعی زمینه‌ی تحرکات جغرافیایی را برای آنها در کشور بیشتر فراهم کرده است.

در این مقاله، با استفاده از داده‌های نمونه‌ی دو درصدی سرشماری سال ۱۳۹۰ تلاش شده است تا ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت در بین زنان مهاجری که تصمیم به مهاجرت مستقل می‌گیرند، تحلیل و بررسی شود. منظور از زنان مهاجر مستقل، زنانی هستند که به تبعیت از سرپرست خانوار مهاجرت نکرده‌اند، بلکه خودشان مستقل مهاجرت کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که از نظر مفهومی بین مؤلفه‌های تحرک اجتماعی زنان و ویژگی‌های مهاجرتی آنها نوعی ارتباط و تعامل تأمل برانگیز وجود دارد. به عبارتی بین میزان برخورداري زنان از سرمایه‌ی انسانی و نوع مقصد مهاجرتی انتخابی رابطه وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که زنان متخصص و تحصیل‌کرده‌ی ساکن در مناطق شهری کشور بیشتر به کلان‌شهر تهران مهاجرت می‌کنند، در حالی که زنان مهاجری که به سایر نقاط کشور (به غیر از کلان‌شهر تهران) مهاجرت می‌کنند سطح تحصیلات و تخصص پایین‌تری دارند. تحلیل‌های رگرسیونی نشان داد که احتمال مهاجرت زنان با تحصیلات دانشگاهی بیشتر از سایر گروه‌های تحصیلی است و نیز احتمال مهاجرت به تهران برای گروه تحصیلی دانشگاهی بیشتر از مهاجرت به سایر نقاط است. همچنین درصد زنان شاغل در «شغل‌های مزد و حقوق‌بگیر بخش خصوصی و کارفرمایان» در میان زنان مهاجر به تهران بیشتر از مهاجران به

سایر نقاط است. همچنین احتمال مهاجرت به تهران برای کارکنان زن مستقل بیشتر از سایر مشاغل است و نیز احتمال مهاجرت به سایر نقاط کشور در تمام گروه‌های شغلی کمتر از گروه مرجع (کارفرما) است. برای مهاجران با مقصد تهران به غیر از رشته‌ی تحصیلی مهندسی تولید و ساخت، احتمال مهاجرت به تهران برای سایر رشته‌های تحصیلی نسبت به رشته‌ی مرجع (خدمات) کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، تحلیل‌های توصیفی نشان داد که علت مهاجرت بسیاری از زنان با تحصیلات پایین جست‌وجوی کار است. همچنین از نظر وضع تأهل زنان مطلقه و همسر فوت کرده بیشتر از سایر گروه‌ها مهاجرت می‌کنند. به طور کلی با توجه به نتایج تحلیل‌های توصیفی و آزمون فرضیات می‌توان زنان مهاجر مستقل را در دو طیف مجزا مقوله‌بندی کرد؛ گروه نخست، زنانی هستند که سرمایه‌ی انسانی بالایی دارند و علاوه بر برخورداری از تحصیلات عالی و تخصص، عمدتاً روحیه‌ی کارفرمایی نیز دارند، این گروه از زنان عمدتاً کلان شهرها به ویژه پایتخت را به عنوان مقصد مهاجرتی خود انتخاب می‌کنند، گروه دوم، زنان مهاجر مستقلی هستند که سرمایه‌ی انسانی کمی دارند و عمدتاً سطح تحصیلات آنها پایین و بیکار یا مطلقه یا همسر مرده هستند و از طریق مهاجرت به دنبال بهبود وضعیت موجود خود هستند. به طور کلی یافته‌های این پژوهش فرضیه‌ی یوتنگ در خصوص «مهاجرت استراتژی دسترسی» و رویکرد تعامل نئوکلاسیک «محدودیت فرصت در جوامع روستایی و شهری کوچک» را تأیید می‌کند. بدین معنا که زنان با

سرمایه‌ی انسانی بیشتر با انگیزه‌ی توسعه‌ی دامنه‌ی دسترسی‌ها به مناطقی مهاجرت می‌کند که احتمال دسترسی آنها به امتیازات اقتصادی - اجتماعی بیشتر باشد و عمدتاً کلان شهرها به ویژه پایتخت چنین دسترسی‌هایی را برای آنها فراهم می‌کنند. در بین این دسته از زنان مهاجر، مهاجرت استراتژی توسعه و ارتقاء است. در طیف دیگر زنان با سرمایه‌ی انسانی کم و شاید آسیب دیده‌ی طلاق یا فوت همسر مهاجرت راهی برای فرار از وضع موجود است، البته به نظر می‌رسد در این گروه از زنان مهاجر، مهاجرت استراتژی بقاء باشد تا توسعه و ارتقاء.

تداوم مهاجرت زنان تحصیل کرده و متخصص جوان به تهران و کلان‌شهرها نوعی عدم توازن در توزیع سرمایه‌ی انسانی بر حسب جنس را در کشور به وجود خواهد آورد و نقاط کمتر توسعه یافته از سرمایه‌ی انسانی زنان متخصص و تحصیل کرده خالی خواهد شد؛ لذا برای جلوگیری از مشکلات ناشی از این امر پیشنهاد می‌شود برای زنان تحصیل کرده در محل سکونت آنها فرصت‌های دسترسی بیشتری فراهم شود و از طرفی توجه ملاحظات جنسیتی در برنامه‌های آمایش سرزمین و جمعیت امری ضروری است.

مهاجرت زنان بیکار با سرمایه‌ی انسانی پایین، مطلقه و همسر مرده، آنها را مستعد آسیب‌های اجتماعی، جذب در مشاغل غیر رسمی با حقوق و مزایای پایین و گرایش به رفتارهای پرخطر خواهد کرد. چنین زنانی با توجه با پایین بدون سطح توانمندی‌هایشان نیازمند خدمات حمایتی از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی هستند.

تحلیلی بر ویژگی‌ها و تعیین‌کننده‌های مهاجرت مستقل زنان در ایران

این مطالعه، به روش کمی و با استفاده از داده‌های سرشماری انجام شده است و محدودیت‌های این گونه مطالعات - به لحاظ ماهیتی - نمی‌تواند ابعاد وسیع و گسترده‌ی مهاجرت زنان را به خوبی بازنمایی کند؛ لذا این موضوع مستلزم انجام تحقیقات کمی و کیفی وسیع‌تری است و پیشنهاد می‌شود محققان علاقه‌مند به تحقیقات کیفی از موضوع زنان مهاجر مستقل غافل نشوند. زنانی که از روستاها و شهرهای کوچک و بزرگ کشور به تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور با انگیزه‌ی بهبود شرایط زندگیشان مهاجرت کرده‌اند، با وجود اینکه با مسائل و مشکلات متعددی دسته و پنجه نرم می‌کنند، اما هرگز صدای آنها شنیده نمی‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### منابع

- ◀ اسماعیلی، نصیبه. بررسی نقش زنان در جریان تصمیم‌گیری مهاجرت‌های خانوادگی، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)، (۱۳۸۸).
- ◀ تیموری، ثمانه. مهاجرت زنان از شمال به جنوب، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده حقوق)، (۱۳۸۹).
- ◀ جعفری، نرگس. بررسی روند تحولات مهاجرت زنان و شناخت عوامل مؤثر بر آن، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی)، (۱۳۸۸).
- ◀ حاجی حسینی، حسین. «سیری در نظریه‌های مهاجرت»، راهبرد، ش ۴۱، (۱۳۸۵).
- ◀ حسن پورفرد، علی. گرایش به مهاجرت و جنسیت، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)، (۱۳۸۹).
- ◀ فیندلی، سلی ۱۳۷۲. برنامه‌ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه‌ی عبدالعلی لهسایی‌زاده، نوید، شیراز.
- ◀ لهسایی‌زاده، عبدالعلی ۱۳۶۸. نظریات مهاجرت، نوید شیراز.
- ◀ محمودیان، حسین و حجه بی‌بی رازقی نصرآباد و محمدرضا کارگر شورکی. «زنان مهاجر تحصیلکرده در تهران»، پژوهش زنان، دوره ۷، ش ۴، (۱۳۸۸).
- ◀ مشفق، محمود. «تحلیل اثرات شاخص‌های سرمایه انسانی و جمعیت شناختی بر مهاجرت‌های داخلی ایران»، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ش ۱۱، (۱۳۹۰).
- ◀ میرزایی، محمد و علی قاسمی اردهائی ۱۳۹۳. جنبه‌های مهاجرت داخلی زنان در ایران، مؤسسه رحمان.
- ◀ یزدان مهر، زکیه. مقایسه ویژگی‌های جمعیتی، اجتماعی زنان مهاجر (داخلی) با زنان غیرمهاجر در سرشماری ۱۳۸۵، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی)، (۱۳۹۲).
- Ezra, M. (2001). "Ecological degradation, rural Poverty and Migration in Ethiopia: A Contextual analysis". Available on: [http:// www. Pop](http://www.Pop)

council. Org/pdfs/ wp/149.pdf.

➤ Giaccone, M (2011). "Native Woman Work more thanks to Migrant Women". *Pereforming Domestic Institution*, IRS, Italy.

➤ Boyd.M & Grieco, E. M. (2003). "*Women and Migration: Incorporating Gender into International Migration Theory*". Center for the Study of Population, WPS98-139 ISSN 0740-9095.

➤ Chant, S. and S. Radcliffe (1992). "Migration and Development: The Importance of Gender". In: *Gender and Migration in Developing Countries*. Ed. S. Chant. London and New York: Belhaven Press : 1-29.

➤ Chattopadhyay.S(2000)"Involuntary Migration and the Mechanisms of Rehabilitation: The Discourse of Development in Sardar Sarovar, India", Annual Meeting of Association of American Geographers, Pennsylvania.

➤ Hugo, G. (1993)."Migrant Women in Developing Countries, in Department of Economic and Social Information and Policy Analysis". *Internal Migration of Women in Developing*.

➤ Lawson, V. A. "*Hierarchical households and gendered migration in Latin America: Feminist Extensions to migration research*". *Progress in Human Geography*, 22(1) (1998).

➤ Quinlan, R. J. "*Kinship, Gender and Migration from a Rural Caribbean Community*", *Migration Letters*, V.L2 (1) (2005).

➤ Silvery, r. "*Power, Differenece and Mobility: Feminist advances in Migration Studies*". *Progress in Human Geography*, 28(4) (2004).

➤ Monica, B,E. Grieco, (2003). "*Women and Migration: Incorporating Gender intoInternational Migration Theory*", Migration Policy Institute.

[<http://www.migrationpolicy.org/article/>].

- Sjaastad, L. A. “*The Costs and Returns of Human Migration, the Journal of Political Economy* .70(5) (1962).
- United Nation (2013). “*World Migration in Figures*”, a joint contribution by UN- DESA and the OECD to the United Nations High Level Dialogue on Migration and Development.
- United Nations. (2003). “*The Global Dimensions of Female Migration*”: International Migration Report.
- Uteng,T.P (2011). “*Gender and Mobility in the Develoing World*”, Background Paper, World Development Report, World Bank.

